

تعامل معترف بودند، حالاکه در دولت بایدن خدمت می‌کنند، اذعان می‌کنند که «واشنگتن اکنون در برابر پویاترین و قوی‌ترین رقیبش در تاریخ معاصر قرار گرفته است».

اوباما وعده داد که در طول ریاست جمهوری اش سیاست سختگیرانه‌ای در برابر چین اتخاذ کند؛ ادعاهای چین در قلمروی دریا را به چالش کشید و در سازمان تجارت جهانی شکایت‌هایی علیه چین تنظیم و پیگیری کرد، ولی این تلاش‌های نصفه‌نیمه اثر زیادی نداشتند، اما این سیاست‌ها در سال ۲۰۱۷ واقعاً تغییر کردند. پس از آنکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده شد، به سرعت استراتژی تعاملی دولت‌های قبلی را کنار گذاشت و محدودسازی را دنبال کرد. همان طور که یک سند راهبردی کاخ سفید، که در آن سال منتشر شد، توضیح می‌دهد، رقابت قدرت‌های بزرگ بازگشته بود و چین می‌کوشید «قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش بکشد و امنیت و پیشرفت‌های آمریکا را بی‌اثر سازد». ترامپ که مصمم بود موفقیت چین در این راه را متوقف کند، در سال ۲۰۱۸ یک جنگ تجاری به راه انداخت و تلاش کرد غول فناوری «هوآوی» و دیگر شرکت‌های چینی را، که سلطه ایالات متحده بر دنیای فناوری را تهدید می‌کردند، فرسوده سازد. دولت وی همچنین روابط نزدیک‌تری با تایوان ایجاد کرد و ادعاهای چین در دریای چین جنوبی را به چالش کشید. جنگ سرد دوم در راه بود.

انتظار می‌رفت جو بایدن محدودسازی را کنار بگذارد و به سیاست تعاملی بازگردد؛ زیرا او در کرسی کمیته روابط خارجی سنا و در دولت اوباما با قدرت از این سیاست حمایت کرده بود. در عمل، بایدن در مقام رئیس‌جمهور، سیاست محدودسازی را دنبال کرد و تاکنون همان قدر در برابر چین سختگیر بوده که رئیس‌جمهور قبلی بود. وی کمی پس از انتخابش به عنوان رئیس‌جمهور، وعده داد که در برابر چین «روش رقابت حداکثری» را اتخاذ خواهد کرد. کنگره نیز تغییر روش داد. قانون رقابت و نوآوری ایالات متحده با حمایت هر دو حزب سنارا درنوردید. این لایحه چین را «بزرگ‌ترین چالش ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک برای سیاست خارجی آمریکا» خوانده است و به نحوی مناقشه‌برانگیز دعوت کرده که تایوان به عنوان یک کشور دارای قیمومیت بر خاک خود و برخوردار از اهمیت استراتژیک «حیاتی» برای آمریکا شناخته شود. مردم آمریکا نیز در ظاهر همین دیدگاه را دارند. نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو^۲ در سال ۲۰۲۰ نشان داد که نه نفر از هر ده نفر آمریکایی قدرت چین را یک تهدید تلقی می‌کنند. باین همه، رقابت جدید ایالات متحده و چین به زودی پایان نمی‌یابد و شاید فارغ از اینکه چه کسی در کاخ سفید باشد، تشدید هم خواهد شد.

خطر جنگ گرم

بقیای مدافعان سیاست تعاملی، اکنون روند سقوط روابط ایالات متحده و چین را نتیجه کار افرادی می‌دانند که قصدشان ایجاد یک درگیری به سبک تقابل آمریکا - شوروی است، به عبارتی که مقام سابق دولت جورج واکر بوش، یعنی رابرت زولیک استفاده کرد: «جنگجویان جنگ سرد جدید». در دیدگاه تعامل‌گرایان، انگیزه‌های تشدید همکاری اقتصادی، وزن بیشتری از نیاز به رقابت بر سر قدرت دارند و منافع مشترک بر منافع مناقشه‌آفرین می‌چربند. اما متأسفانه، مدافعان تعامل‌گرایی آب در هاون می‌کوبند. «جنگ سرد دو» همین حالا آغاز شده است، و اگر دو جنگ سرد را با هم مقایسه کنیم، روشن خواهد شد که رقابت چین و آمریکا نسبت به رقابت آمریکا و شوروی قابلیت بیشتری برای تبدیل شدن به جنگ گرم دارد.

اولین تفاوت میان این دو درگیری، مربوط به توانایی هاست. چین همین حالا از نظر قدرت بالقوه به